

کشف الاسرار و عده الارباب
 مؤلف: میرزا محمد باقر
 تصنیف: میرزا محمد باقر
 در شهر شیراز
 در سال ۱۳۶۱
 در ۲۵ جلد

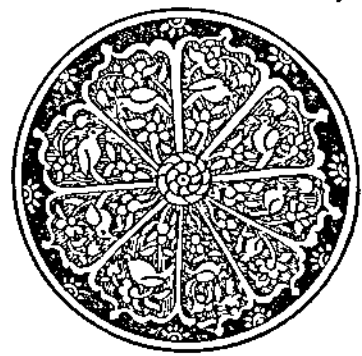
کشف الاسرار و عده الارباب احمد بن محمد میبیدی چاپ سوم به اهتمام و تصحیح علی اصغر حکمت تهران امیرکبیر ۱۳۵۷ ده جلد ۶۷۷۸ صفحه

کشف الاسرار و عده الارباب معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، یکی از عظیمترین و قدیمترین تفسیرهای فارسی است که نزدیک به نهصد سال از تألیف آن (۵۲۰ ق) میگذرد و اخیراً چاپ سوم آن با هیأتی آراسته و بیراسته در ده جلد مجموعاً در ۶۷۷۸ صفحه از سوی مؤسسه انتشارات امیرکبیر منتشر گردیده است.

پیش از کشف الاسرار، و همزمان با آن تفاسیر فارسی دیگری هم نوشته شده است. قدیمترین تفسیر مفصل فارسی - یعنی صرف نظر از تفاسیر کوتاه یا ناقص، یا از بین رفته - همانا ترجمه تفسیر طبری است (نوشته محمد بن جریر طبری، فراهم آمده به سال ۲۵۰ تا ۲۶۵ هجری، در هفت مجلد)

تفسیر میبیدی که در حوالی سال ۵۲۰ هجری نگارش یافته، از نظر نظم و نسق و شیوه تفسیرنویسی، پیشرفته تر از ترجمه تفسیر طبری است. مهارت طبری، هم از آنجا که مورخ است، در قصص و تواریخ است، و کمتر تفسیری از این لحاظ با آن برابری تواند کرد. اما برجسته ترین ویژگی کشف الاسرار، عرفانی بودن آن است.

کشف الاسرار مهمترین (هم کاملترین و هم عمیقترین) تفسیر عرفانی فارسی است. البته باز هم پیش از کشف الاسرار، که خود پیش بر تفسیر عرفانی (اکون از دست رفته) خواجه عبدالله انصاری است، چندین تفسیر عرفانی مهم تألیف شده است از



که از نظر زیبایی نگارش و شیوایی نگارش کم نظیر است. و در اینجاست که اشعار عرفانی فارسی و عربی، و حکایات و روایات و کلمات قصار دلنسی از بزرگان صوفیه بویژه از چندین رومی، شبلی، بشرحافی، با یزید بسطامی، حسین بن منصور حلاج، و پیش از همه خواجه عبدالله انصاری - که غالباً او را بر طریقت می نامند - نقل می کند.

دیگر از امتیازات کشف الاسرار این است که مؤلفش با آنکه اهل سنت است (چنانکه گفته شد اشعری شافعی است، فی المثل مانند ابو حامد غزالی) ولی تعلق خاطر صمیمانه‌ای به اهل بیت پیامبر و ائمه شیعه دارد. چنانکه اخبار و احادیث بسیاری از علی بن ابی طالب و امام حسن و امام حسین و حضرت سجاد و امام باقر و امام صادق و ثامن الائمه، علیهم السلام، نقل می کند. نیز احادیث نوری معتبری در مناقب حضرت علی (ع)، در این باره توجه خوانندگان گرامی را به مقاله جامع آقای دکتر محمد مهدی رکنی یزدی، تحت عنوان «چهاره‌های تشیع در تفسیر کشف الاسرار»، که در عین حال نقدی بر تفسیر کشف الاسرار هم هست، مطرف می دارم (که در یادنامه علامه امینی به اهتمام دکتر سید جعفر شهیدی و محمدرضا حکیمی - تهران، شرکت انتشار، ۱۳۵۲، صفحات ۱۶۳-۲۳۰ به چاپ رسیده است).

در پایان به عنوان نمونه‌ای از نگارش و نگارش میبیدی، روایت تفسیری از جلد دوم کشف الاسرار نقل می شود:

و در تحقیق فراموش اولیا روایت کنند که امیرالمومنین علی (ع) روزی قدم در رکاب مرکب می کرد تا به غزاة شود مردی منجم بیامد، و رکاب او گرفت، گفت: یا علی! امروز بحکم نجوم در طالع تو نگاه کردم و ترا روی رفتن نیست، که ترا نصرت نخواهد بود. علی (ع) گویند دوره ای مرد از بر مرکب من، حیدر کراز بدان قدم در رکاب کرده است تا چون توتی رکاب او گیرد و باز گرداند؛ دور باش از بر من که اندیشه سینه من کم از آن اثر نکند که خورشید در فلک.

اگر فلک را از بهر کاری در گردش آورده اند ما را نیز از بهر کاری در روش آورده اند کسی که دقیقت (دقیق): اصطلاح نجومی) او حقیقت بود و ثوابی (جمع ثانیه: اصطلاح نجومی) او سبع ثوابی (یعنی هفتگانه مکرر: و مراد از آن در اصطلاح علوم قرآنی یا هفت آیه سوره فاتحه است که در نماز تکرار می شود یا هفت سوره بلند اول قرآن، بعد از سوره فاتحه) بود، و اصطلاح اول دل او بود، اندیشه وی

ایشان و منتخب اشعار بزرگان - بالاخص سنائی غزنوی - و دیگران کبابی است بی نظیر و بدلیل... قطع نظر از جنبه دینی از لحاظ ادبی و همچنین رباعیت عرفانی و تصوف یکی از توادد زبان فارسی است که مانند گنجی تمین هزاران فایده علمی و ادبی و لغوی و تاریخی را به پارسی زبانان تقدیم میدارد، و صلحا لغات و اصطلاحات رایج در قرن پنجم و ششم هجری - که دوره اوج ادبیات فارسی بوده است - در این گنجینه وجود دارد... (مقدمه جلد اول) باری، دیگر از امتیازات این تفسیر، تدوین عالی و آسان یاب آن است؛ به این شرح که ابتدا آیاتی چند از قرآن می آورد و سپس در سه بخش یا سه «نویس» آنرا ترجمه و تفسیر می کند. نویس اول، ترجمه روان و شیوای آیات است، بدون هیچگونه تفسیر. نویس دوم تفسیر به سبک عامه مفسران و مفسران عامه.

میبیدی در اصول (کلام) اشعری اعتدالی است و اعتدالی بسیاری به نقل احادیث و تمسک به آنها، نشان می دهد، و در فروع (فقه) شافعی است. تفسیر نویس دوم او را می توان نمونه سنجیده ای از تفسیر مأثور (یا تفسیر نقلی، که متکی و مستند به اخبار و احادیث است) شمرد. بحثهای لغوی و شأن نزول آیات و آیات احکام و اختلاف قرائت و نکات نحوی را در این بخش می آورد. و همواره احادیث تفسیری مناسبی از بزرگان صحابه و تابعین چون ابن عباس، ابن مسعود، مجاهد، مقاتل، سدی، کلبی، عطاء، قتاده، ابی بن کعب، عکرمه، جابر و سعید بن جبیر نقل می کند. گاه فقط متن احادیث را می آورد، گاه ترجمه آنها را نیز همراه می کند. و گاه فقط ترجمه را.

بخش یا نویس سوم، اختصاص به تفسیر یا تأویل عرفانی دارد

جمله: تفسیر القرآن العظیم اثر سهل شتری (قرن سوم) یا حقائق التفسیر اثر سلمی نیشابوری (متوفای ۲۱۲ ق) و لطائف الاشارات اثر عبدالکریم قشیری (متوفای ۲۶۵ ق) صاحب رساله تفسیریه معروفه. اما همه این تفاسیر به عربی است. کشف الاسرار و عده الارباب پیش بر تفسیری است از خواجه عبدالله انصاری، عارف بزرگ قرن پنجم (متوفای ۴۸۱ ق). از این تفسیر فقط نامی در طبقات المفسرین سیوطی آمده است، اما تفاوت معارفش در همین تفسیر میبیدی درج است. میبیدی رابطه اثر خود با اثر خواجه عبدالله را چنین بیان کرده است: «اما بعد، این بنده کتاب تفسیر قرآن شیخ الاسلام فرید عصر و وحید دهر ابی اسمعیل عبدالله بن محمد بن علی الانصاری (خواجه عبدالله) را - که روانش شاد باده مطالعه کرده، آن را از نظر لفظ و معنی و تحقیق و ترصیح در حد اعجاز یافتم، جز اینکه در نهایت ایجاز و اختصار بود چندانکه درد جویندگان دانش را دوا، و کام دیده وران اندیشنده را روا نمی کرد. از همین روی بر آن شدم که به شرح آن ابتدا کنم، و عنوان قلم را اندکی بیشتر رها کنم، تا حقائق تفسیر را با لطائف تذکیر فراهم آرم، و کار را بر اهل فن آسان گردانم.

در اوایل سال ۵۲۰ به انجام این آرزو کمر همت بستم، و در تکمیل آن از پای تنگشتم، و کتاب را کشف الاسرار و عده الارباب نام نهادم. امید هست که استمن با مسما موافق افتد و لفظش با معنا مطابق. توفیق از خداوندست؛ هو حسبی و تم الوکیل» (ج ۱، ص ۱، ترجمه از نگارنده)

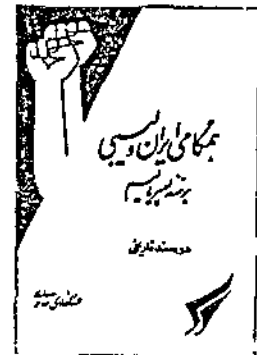
مروحوم علی اصغر حکمت که این اثر ارجمند را بر مینا و با مطابقت چندین نسخه خطی کهن و معتبر تصحیح، و چاپ اول آن را در سلسله انتشارات دانشگاه تهران (از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۹) منتشر کرده است، در معرفی سبک و محتویات این تفسیر چنین گویند:

«... خزانه‌ای است آکنده به ثنالی و جواهر، مشتعل بر تفسیر قرآن شریف به سبک مفسرین عامه، و محتوی بر قرائت و اختلاف آنها، و شأن نزول آیات، و بحث در احکام فقهیه، و تأویلات عرفانی به سبک صوفیه عظام که جایجا به اقوالی چند از خواجه انصار مزین است، و از لحاظ تفسیر و تأویل و فقه و خبر و سیر و حدیث و ادب و صرف و نحو و اشتقاق و کلمات صوفیه و مواضع اخلاقی

کم (کشر) از رای تو بود من بدین حرف خواهم شد و جز امروز حرب نخواهم کرد که مرا بفرست باطن معلوم شده است که از این لشکر من نه (۹) کشته شود والله که ده (۱۰) نبود و از لشکر دشمن نه (۹) بجهند والله که ده بجهند.

چون حیدر کرار به حرب بیرون شده عزیزی بیش رفت کشته شد دیگری و دیگری تا عدد نه تمام شد آنکه در آمدند گرد لشکر متردان همه را کشتند مگر نه تن که از سر تیغ حیلر بچستند... تا ترا معلوم گردد که تأثیر دل بنده مؤمن بیش از تأثیر فلک است در آسمان. آنچه در آسمان و زمین یابی در خود یابی و آنچه در بهشت و دوزخ یابی در خود یابی و آنچه در آسمان یابی و نه در زمین نه در بهشت و نه در دوزخ (جلد دوم، صفحات ۷۵۸-۷۵۹).

شهاده الدین خورشاهی



همگامی ایران و لیبی بر ضد امپریالیسم، دو سند تاریخی. عبدالهادی حائری، چاپ یکم، مشهد، آملی، ۱۳۶۰.

فارسی زبانان تاکنون از آقای دکتر عبدالهادی حائری استاد محترم دانشگاه مشهد کتاب معتبر تشیع و شریعت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق (تهران، ۱۳۶۰) را خوانده اند و بی گمان از تحقیق دقیق و متدیک ایشان بهره برده اند. رساله حاضر و یا به تعبیر صاحب اثر «کتابچه» نیز بیش از این با تفاوتی چند و با این ویژگیها به چاپ رسیده است:

«The Responses of Libyans and Iranians to Imperialism as Reflected in two Documents» in *Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft*, 130, (1980), 372-92.

اساس کار بر دو فتوی و یا اعلان جهاد نهاده شده است که در آغازهای دهه دوم قرن کونونی مسیحی (۱۷-۱۹۱۱ م.) به وسیله دو تن از علمای نامدار ایران و لیبی، حضرات آیات میرزا فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی (۱۳۳۹/۱۹۲۰ - ۱۳۲۹/۱۹۱۶) از مجتهدین معروف ایرانی مقیم عراق، و سید احمد شریف رهبر سنوسی های لیبی (۱۳۵۲/۱۹۳۳ - ۱۳۲۹/۱۸۷۳) علیه بیگانگان اشغالگری - که آن روز استقلال و موجودیت دولت مزبور را تهدید می کردند - صادر شده است.

مؤلف در دیباچه منتهی که بر دو سند موصوف نوشته اشاره کرده است که «سالهای پیش از جنگ جهانی نخست، تماشاگر اوج يك رشته از فعالیتهای منظم و حساب شده به سرد امپریالیسم غرب [به تعبیر کونونی غرب و شرق] بود و این فعالیتها در چهره کماکش بر سر قدرت، رقابتهای سیاسی - اقتصادی، هم بیامتیها، ناکیکها، استراتژیها و سرانجام پورشهای نظامی به کشورهای ناتوان نگاهداشته شده خودنمایی می کرد [و] بدیهی است که خاورمیانه، آفریقای شمالی و به طور کلی جهان اسلام به عنوان یکی از آماجهای اصلی اعمال توفذهای امپریالیستی، دست اندازیهایی بهره کشانه و نیروی نظامی پیاده کردند، از این الگوی کلی بیرون نبوده است.» (ص ۴).

درست است که غرب سلطه جو برخی از مناطق آفریقا را به تاریکی کشف کرده و کوتاه مدتی بود که بر کشوری چون لیبی دست یافته بود ولی ریشه های نکتت بار سلطه انگلیسها و روسیان بر ایران، بیش از قری می گذشت که جایگیر شده و تا آن تاریخ، همه چیز و همه کس را تحت استیلا قرار داده بود. اینجاست که می بینیم روحانیت اصیل اسلامی در هر دو کشور ستمزده و پلادیده و به انتظار مصیبتهای باز هم بیشتر نشسته ایران و لیبی، صلابی هشدار سر می دهد و توده های مسلمان را به ندای «هل من ناصر ینصرنی» به مبارزه و مقاومت فرا می خوانند هر دو رهبر مذهبی با استناد به قرآن مجید و احادیث شریفه، مسلمانان را به دفاع از خود و ناموس و حیثیت انسانی و فرهنگ اصیل اسلامی تحریض می کنند و روشن بشارت خطرات دراز مدت استعمار و استثمار را یادآور می کردند. لحن اعلامیه ها تکان دهنده است و نشان از عبق دروها و نزدیکی اهل آنها با یکدیگر دارد و ما چون در این معرفی، پایه را

بر ایجاز گذاشته ایم به ذکر سخنانی از هر کدام اکتفا داریم، در اعلامیه سنوسی می خوانیم:

های مسلمانان، بدانید که بهشت زیر سایه شمشیر قرار دارد... شمار زیاد و ساز و برگ فراوان دشمن نباید شما را از جهاد باز دارد نیروی ایمان، هر ارتشی را از هم می گسلاند نیروهای دشمن که اردو زده، پیشانیی درهم شکسته است. به رغم آن که فرماندهانشان مردانی بزرگ منش به نظر می رسند اراده و تصمیمهای آنان زنانه و کوردهانه می باشد همانا خدایوند وعده داده است که پاران خود را پیروزی و پای برجایی و دشمنان را نکتت و پراکندگی بخشد، بنابراین به خاطر ناتوانی برخی از فرماندهانتان هرگز به دشمن پشت نکید اگر مردان در راه خداوند یکتا جهاد کنند، الیه خدا به وعده اش وفا خواهد کرد و ارتش جهادکنندگان را نیرو خواهد بخشید... (ص ۳۳). ای مسلمانان جهاد کنید حتی اگر دچار سختیهای فراوان شوید و ثبات قدم نشان دهید هر چند برای یکبار در تیردها [ی آغازین سالهای اسلام چنین عمل می شد که] پرچم در میان گروهها دست به دست گردش می کرد و هر آنگاه که فرماندهی از میان می رفت، فرمانده دیگری پرچم را بر دست می گرفت تا به هدف [که پیروزی در جهاد بود] دست یابد. (ص ۴-۳۳).

و این نیز سخنانی است از شریعت اصفهانی رضوان الله علیه

«... بر هوشیاران و آگاهان، که خواسته ها و گمانهای تبه کارانه پندارهای بیهوده و آزمندیهای پست بر خردشان چیره نگشته، پوشیده نیست که بیگانگان از سده های پیشین و در دوره های دراز مدت همواره شتابگرانه کوشیده اند که دارایی مسلمانان را بریابند و بر شهرها و کشورهایشان دست تصاحب گذارند و بر جانهای آنان تسلط یابند آنان حتی آخرین کوشش خویش را به کار می برند تا باورهای مسلمانان را نسبت به خویشتر پریشان کرده، بر آشوبند و ایمان آنان را بسست گردانند و قرآن سراسر حکمت آنان را از میانشان بزدایند و شعائر مذهبی شان را رگریزند و آنچه از وسایل مادی و معنوی نزد آنان است نابود و ویران سازند... بیگانگان با مسلمانان به آمیزش، معاشرت و دوستی پرداختند با ابراز ملامت و داشتن رفتاری [بطاهر] نیکو و پاکدلانه و با نشان دادن

اخلاق و احوالی مهرآمیز و اعمال و اعمالی دقیق و استوار خود به خود مردم نادان را به سوی خویش متمایل کردند و دلهای کوچک میزان فرومایه و ساده لوح را که [به آسانی] به دنبال هر صدایی به راه می افتند شیفته خود ساختند... (ص ۷۷-۴۶).

باری، که هر دو اعلامیه خواندنی است و آکنده از سخنان نغز و ارشادات عالمانه و آگاهانه، و خود گواه صادقی است در بیداری علمای اعلام اسلام در همه ادوار و حاصه دورانیهای پر محاطه دو قرن اخیر، که سلطه ویرانگر غربیه با دقت و آگاهانه قدم بیش می گذاشت و از مکتب و مدرسه تا خانه و خانقاه و بازار و کوچه هیچ کجا را مصون نمی داشت. اضافات و توضیحات مؤلف نیز بر اعتبار ترجمه دقیقی که ارائه داده اند، افزوده است و اگر از برخی لغزیهای کوچک چاپی و حروفچینی صرف نظر کنیم، در مجموع رساله ای خواندنی و ماندنی است و امروز نیز فرزندان ایران و لیبی انقلابی با مطالعه آن می توانند عبرتها گیرند

دکتر رضا شعبانی